

غرب تقسیم شده و شرق در حال طلوع

دکتر محمود منشی پوری*

دکتر منوچهر دراج**

چکیده

بررسی پیامدهای کاهش و رکود ممکن نظام لیبرال با تمرکز بر عوامل تقسیم کننده جهان غرب، به ویژه افزایش سمی ناسیونالیسم، بومی گرایی، پوپولیسم، استبداد، ضد نهاد گرایی، ضد مهاجر و ضد جهانی شدن احساسات، موضوع اصلی این مقاله است. ما استدلال می‌کنیم که در حالی که ایالات متحده پذیرای ناسیونالیسم اقتصادی بیشتر و حمایت از ملی گرایی در دولت ترامپ است، حمایت از نهادهای چند جانبه، که ریشه در نظم لیبرال دارند، به احتمال زیاد به طور قابل ملاحظه ای عقب نشینی خواهد کرد. انحلال نظم لیبرال مسلماً راه را برای اختلال سیاسی در سراسر جهان باز خواهد کرد، و در همان زمان، تقسیم جهان غرب در دوره اتحاد چین با روسیه تحت رهبری پوتین به احتمال زیاد برای غرب چالش های جدیدی ایجاد می‌کند. با وجود رقابت آنها، پکن و مسکو به دنبال راه هایی برای بهبود روابط دوجانبه با واشنگتن به منظور محدود کردن و مدیریت بهتر تنش کلی منطقه ای خواهند بود. شایان ذکر است که خطرات ناشی از رها کردن یک نظام لیبرال، که برای بیش از هفت دهه رفاه نسبی به همراه داشته است، و همچنین به عنوان چارچوبی قانونی و سازمانی برای حل تعارض بوده است، میتواند بسیار مخرب باشد.

کلیدواژگان

ناسیونالیسم، پوپولیسم، غرب تقسیم، افزایش شرق، و نظام لیبرال

* استاد دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو و مدرس دانشگاه برکلی / ایمیل: mmonship@sfu.edu

** نویسنده مسئول، استاد روابط بین الملل دانشگاه مسیحی تگزاس / ایمیل: m.dorraj@tcu.edu

زبان حقوق بین الملل؛ در بوته آزمون تک صدایی یا چند صدایی

دکتر فرید آزادبخت*

چکیده

مواجهه حقوقدان، همانند برخورد زبان شناس، ادیب، فیلسوف و منطقدان با زبان نیست. با این حال محدودیت ها و ابهام های زبان طبیعی در صورت بندی مفاهیم حقوقی و تبیین واقعیت ها، رمز گشایی از متن ها و فهم عقلانیت حاکم بر ارزش های سیستم حقوقی بین المللی باعث می شود حقوقدان فراتر از مرزهای واقعی دانش حقوق و در محدوده ای بین منطق، زبان شناسی و فلسفه تحلیلی زبانی به تدارک نظریه ای مناسب مفاهیم، گزاره ها، متن ها، نرم ها، مدل های عقلانیت و نظریه های حقوقی پرداخته و اهتمام خود را صرف بازشناسی ماهیت، نوع و دلالت های منطقی آنها نماید. آنچه دشواری تدارک چنین نظریه ای را دوچندان می سازد خصلت دیالکتیک زبان حقوقی است، به این معنا که زبان حقوقی هم باید برای توصیف بی پیرایه و دقیق واقعیت ها و امور اعتباری حیات جمعی، واجد ظرفیت بیانگری، معناکاوی و رمزگشایی از متن های متین حقوقی باشد و درعین حال قابلیت بازنمایی و تدوین روشمند ارزش ها و الزام های حقوقی و قانونی را نیز دارا باشد. زبان حقوقی نوع خاصی از زبان های طبیعی به شمار می رود، درست مشابه هر زبان طبیعی دیگر و حتی افزون بر آن، فاقد درجات یقین، سطح دقت و شفافیت است که صرفاً از زبان های صوری و نمادین ساخته است که منطق دانان آن را به منظور تبیین دقیق روابط و نسب موجود معرفتی در حوزه ریاضیات، منطق و فیزیک نوین بر پایه عقلانیت صوری به کار بسته اند. با این همه چالش، حقوق بین الملل، با آزمون دشوارتری مواجه است که چند صدایی و تکرر خوانش ها و تنوع معناها را به رسمیت بشناسد و یا اینکه در چنبره قدرت، به زبان سرکوب سوژه های سخن گو و خود رای تنزل یابد.

کلیدواژگان

زبان حقوقی، گزاره تحلیلی و ترکیبی، چند صدایی، معنا، متن، تاویل و تبیین، بشریت

* استادیار عضو هیات علمی گروه حقوق عمومی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران/ ایمیل:

حقوق بشر و جامعه بین‌المللی

دومینیکا دی فازیو*

چکیده

حقوق بشر منعکس کننده نظم طبیعی است که از آن آزادی‌های اساسی جریان می‌یابد. اعمال حقوق بشر این نظم و آزادی را منعکس می‌کند. اینها اصول کلیدی است که الهام بخش اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بود. عمل بین‌المللی، با این حال، نشان می‌دهد که در حالی که اهمیت حقوق بشر تقریباً در جهان به رسمیت شناخته شده است، در عمل اعمال حقوق به محدودیت‌های متعدد ختم می‌شود. به رغم مقدار قابل توجهی از مصوبه‌های قانونی در سراسر جهان در ترویج و حمایت از حقوق بشر، رشد ناسیونالیسم و بازگشت سیاست هویت باعث تولید تبعیض و مانع‌گفت و گو می‌شود. افزایش محدودیت‌هایی که دولت‌ها بر آزادی رسانه‌ها تحمیل می‌کنند، مانع دیگری برای مبارزه با بی‌عدالتی است. با این وجود، جامعه بین‌المللی به اندازه کافی برای حل این مشکل اساسی کار نمی‌کند. سازمان ملل متحد هنوز اساس هر گونه تلاش برای ترویج امنیت، ثبات و رفاه با احترام کامل به کرامت انسانی و حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. اصل مداخله بشردوستانه باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد، چرا که ممکن است راه حلی به سمت سیاست‌های موثرتر با هدف مقابله با نقض فاحش قوانین بین‌المللی بشردوستانه، از جمله نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت فراهم کند. با این حال، اعضای سازمان ملل متحد قادر نیستند و تمایلی به انجام اصلاحات و نوسازی سازمان و روش‌های آن ندارند، به خصوص با وجود شورای امنیت که نمادی منسوخ از سیاست قدرت قرن گذشته است. به طور مشابه، تأثیر شورای حقوق بشر باید افزایش یابد. موضوع حضور اعضای که اعتباردموکراتیک آنها مشکوک بوده و آنهایی که به نظر می‌رسد آشکارا نسبت به حقوق بشر بی‌احترامی می‌کنند باید بهتر در جهت ترویج استانداردهای حقوق بشر برای جلوگیری از تضعیف اعتبار سازمان ملل استفاده شود. از آنجایی که حقوق بشر تمام طیف از فعالیت‌های انسانی را پوشش میدهند، ملاحظه ویژه‌ای باید به حقوق زنان داده شود، درحالی‌که این حقوق در بسیاری از کشورها برای قرن‌ها نادیده گرفته شده‌اند. در سال‌های اخیر، به ویژه بعد از تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹، اقدامات مهمی شکل گرفته‌اند. با این حال، دلیل قانونی قوی‌تری برای همه این مراحل باید شکل گیرد که برای جامعه بین‌المللی ابزاری موثر و کارآمد برای رسیدگی به موارد جدی تبعیض را تضمین کند و گام‌های مشخصی را به سوی شناخت واقعی نقش برابر زنان در تمام جوانب زندگی روزمره تبلیغ کند.

کلیدواژگان

حقوق بشر، جامعه بین‌المللی

* فعال حقوق شهروندی ایتالیا/ ایمیل: nika1975@libero.it

پس از غرب: جنبش انتقادی در رشته روابط بین الملل

دکتر آرشین ادیب مقدم*

چکیده

این مقاله، جنبش‌های جدید در رشته روابط بین الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. روابط بین الملل با پیدایش جنبش انتقادی توانسته است پویایی بیشتری از خود به عنوان یک دانش تخصصی نشان دهد. لذا در این مقاله با تأکید ویژه بر نوشته «پسا-غرب» در نظریه روابط بین الملل که به مفاهیم بهتر برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های جهانی تبدیل می‌شود، می‌پردازیم. تلاش بر این است تا فهم بهتری از روابط بین الملل فراتر از سلطه نظریه‌های رایج در روابط بین الملل به ویژه دیدگاه‌های باختر زمین و اروپایی ارائه شود. در این راستا نویسنده از پژوهش‌های پیماشی و تجربی علمی بهره می‌برد.

کلیدواژگان

تئوری روابط بین الملل، پس از استعمار، نگرش اروپایی، شورش‌های عرب

* استاد دانشگاه مطالعات مشرق‌زمین و آفریقا دانشگاه لندن و همکاری‌کننده با دانشگاه کمبریج / ایمیل:

aa106@soas.ac.uk

افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در ساحل غربی: داستانی قدیمی با مفاهیم معاصر

دکتر رابین هاردی*

چکیده

خشونت گسترده و طولانی مدت اسلام‌گرایان در ساحل غربی، سوالات مربوط به تاریخ این پدیده را مطرح می‌کند. این مطالعه به مقایسه ستیزه‌جویی اسلامی به رهبری دن فودیو (سوکوتو) و ال. حاج عمر تال (توکولور) در طول قرن نوزدهم و با بوکوحرام به رهبری محمد یوسف از سال ۲۰۰۲ می‌پردازد. منطقه مورد بررسی در این تحقیق به ایالات نیجریه، نیجر، چاد، بورکینافاسو، کامرون، گینه و سنگال محدود شده است. نشان دادن ارتباط بین دو دوره زمانی که این پدیده در شدیدترین حال بوده است، الگوهای کلیدی ایدئولوژیک و روش‌های شناختی را ظاهر می‌سازد. توجه به انگیزه، روش و راه‌هایی که جنبش‌های پیشین منحل شدند، الگویی برای اقدامات موثر ضد تروریسم ارائه می‌سازد.

کلیدواژگان

اسلام‌گرایی در آفریقا، افراط‌گرایی خشن در ساحل، بوکوحرام، آینده جهاد در ساحل غربی

* استادیار گروه تاریخ و فلسفه دانشگاه نونانا، بوزان، ایالات متحده آمریکا/ ایمیل: robin.hardy@montana.edu

اسلامگرایان کویت: از یک موجودیت نهادینه شده تا تبدیل شدن به گروه مخالف

دکتر لوسیانو زاکارا*

چکیده

این مقاله سیر تکاملی گروه‌های سیاسی و انجمن‌های اسلامگرا (اعم از شیعیان و سنی‌ها) را از زمان استقلال کشور کویت در سال ۱۹۶۲ میلادی تا آخرین انتخابات مجلس این کشور که در سال ۲۰۱۶ برگزار گردید، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. مقاله در پی آن است نقشی را که گروه‌های اسلامگرا در محیط نسبتاً باز سیاسی که پس از تاسیس قانون اساسی ایجاد شده بود و همچنین حمایت‌های مردمی را که این گروه‌ها در طول تاریخ مبارزات با وقفه و غیر مداوم انتخاباتی در کشور از آن برخوردار بودند، مورد بررسی قرار دهد. در ادامه تغییراتی را که گروه‌های اسلامگرای سنی مذهب در برخی از حوزه‌ها از قبیل نقش اپوزیسیون نهادینه شده که این نقش را تا قبل از وقایع بهار عربی بازی می‌کردند تا شیوه‌های غیر رسمی نشان دادن مخالفت خود پس از آن مقطع زمانی را مورد بررسی قرار داده و با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد که این تحولات و دگرگونی‌ها بر حمایت‌های مردمی که به گروه‌های اسلامگرا اعطا شده بود، به طرز منفی اثر خود را گذاشت و مانع نفوذ آنها در اثر گذاری سیاستگذاران این گروه‌ها در کویت شد و در نهایت باعث از دست رفتن فرصتی شد که قیامها و شورش‌هایی چون بهار عربی برای آنها فراهم ساخته بود.

کلیدواژگان

اسلام‌گرایی، کویت، نهادمندی، گروه‌های مخالف

* استادیار پژوهشگر دانشگاه قطر / ایمیل: luciano@yahoo.com

دیپلماسی علم جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی*

دکتر الهه کولایی*
سیدمهدی حسینی تقی‌آباد**

چکیده

دیپلماسی علم مفهومی است که بیش از هر مفهوم دیگری در قرن ۲۱ توجه زیادی از کارشناسان را در حوزه موضوعات مربوط به روابط بین‌الملل به خود جلب کرده است و در این راستا لزوم درک بیشتر این موضوع رو به گسترش می‌باشد. منطقه قفقاز جنوبی به دلیل فاکتورها و مولفه‌های متعددی چون نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات تاریخی با ایران، یکی از مناطق مهم برای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. این منطقه بین کشورهای ایران، روسیه و ترکیه واقع شده است و ایران تنها کشوری است که با هر سه کشور واقع در آن دارای روابط رسمی سیاسی است. اما داشتن این روابط به این معنی نیست که روابط ایران با کشورهای منطقه در وضعیت مساعد و مطلوبی قرار دارد. با در نظر گرفتن وجود ظرفیتهای بالقوه در استفاده از دیپلماسی علم در روابط بین ایران و کشورهای واقع در منطقه قفقاز جنوبی، فهم ارزیابی عملکرد ایران در این منطقه بسیار لازم و ضروری می‌باشد. این مقاله عمدتاً در پی بررسی فرصتها و چالشهای استفاده از دیپلماسی علم به عنوان یک ابزار در روابط بین ایران با کشورهای واقع در منطقه قفقاز جنوبی است و همچنین تلاش می‌کند نقش بازیگران بیرونی را در استفاده از دیپلماسی علم در این منطقه مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژگان

ایران، دیپلماسی علم، قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان

* این مقاله بخشی از نتایج طرح تحقیقاتی با حمایت مالی مرکز مطالعات علمی بین‌المللی و همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران است.

* استاد گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و مدیر مرکز مطالعات اوراسیایی مرکزی / ایمیل: ekolaee@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران و رئیس موسسه مطالعات قفقاز / ایمیل: mehdiabad@ut.ac.ir